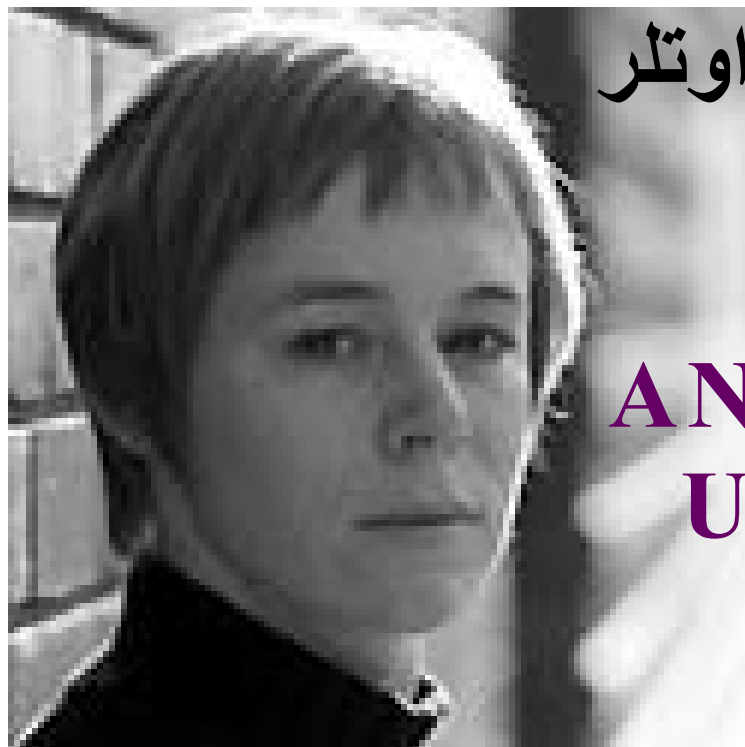




آنیا اوتلر

ANJA  
UTLER

مارسیاس، در احاطه  
MARSYAS, UMKREIST

باز سرایی از آلمانی به فارسی  
سام واثقی

مجموعه شعر نوین جهان (۲)



*The Flaying of Marsyas (1575-76); Oil on canvas 212 x 207 cm; State Museum, Kromeriz*

آنیا اوتلر  
ANJA UTLER

مارسیاس در احاطه

باز سرایی از آلمانی به فارسی  
سام و اتقی

---

مجموعه شعر نوین جهان (۲)

آنیا اوتلر - مارسیاس، در احاطه  
نشر مجموعه شعر نوین جهان  
باز سرایی از آلمانی به فارسی سام واثقی  
۲۰۰۶/۱۱/۲۵

© کلیه حقوق برای نویسنده محفوظ است. تهیه هر گونه اثر از متن این مجموعه و یا بخشی از آن طبق قانون کپی رایت منوط  
به اجازه کتبی نویسنده آنیا اوتلر است.



# آنیا اوتلر ANJA UTLER

آلمان (۱۹۷۳ -)

آنیا اوتلر، شاعر جوان و سرشناس آلمانی، ۱۹۷۳ در شواندورف (*Schwandorf*) متولد شد. وی فارغ التحصیل رشته زبان و ادبیات سلاو شرقی، زبان انگلیسی و سخنسرایی (*elocution*) از دانشگاه رگنسبورگ (*Regensburg*)، نروچ (*Norwich*) و سن پترزبورگ (*St. Petersburg*) است. اوتلر نخستین کار شعر خود را در سال (۱۹۹۹) در مجموعه ای بنام بازگویی (*aufsagen*) عرضه کرد. در سال (۲۰۰۳) وی با پایان نامه ای در زمینه شاعران زن مدرنیست روسیه دکترای خود را به پایان رساند. در همان سال موفق به دریافت جایزه لئونسه و لئا (*Leonce-und-Lena*) شد، که مهمترین جایزه شاعران جوان آلمانی زبان محسوب می شود. آنیا اوتلر اکنون در وین (*Wien*) بسر می برد.

هیئت داوران جایزه لئونسه و لئا در مورد شعر آنیا اوتلر می گوید: ساختارهای نوایی مملو از احساس، هم در نوشتار و هم در خوانش. اما نه در قالب عادی شعر نوایی (*sound-poetry*) بلکه پرداخته بر حسب بازی های زبانی مشخصی در بازتاب و ادراک روانشناختی جهان، بگونه ای که گویی در جوهر کلمات پرتوی نورانی خلق می شود، پرتوی که در کنجاوی یا سردرگمی ما راه را بر اکتشاف در قالب زبان روشنایی می بخشد.

سیکل شعری (*cycle*) که در اینجا عرضه می شود، در پیرامون سرنوشت مارسایاس (*marsyas*) ساتیر (*satyr*)، یکی از شخصیت های اساتیری یونان، سروده شده: آتن (*athena*)، یکی از خدایان اساتیری یونان، زمانی نیلیک خود را دور می اندازد، چرا که خود را با آن زشت

احساس می کند. مارس‌سیاس این نیل‌بک را برداشته و شیفته نوازش آن می شود. سرانجام خود را در نوازش نی چنان ماهر احساس می کند، که آپُل (apollo) را، که خدای موسیقی هم بود، جسورانه به مسابقه می طلبد. هم او و هم آپُل در حضور موزه ها (muse)، حافظان شعر و ادب، نی می نوازند. گرچه هر دو بسیار زیبا می نوازند، موزه ها آپُل را به عنوان برنده انتخاب می کنند. آپُل به عنوان برنده، مجاز است هر چه دلش می طلبد با مارس‌سیاس بکند. آپُل تنها می خواهد، که انتقام جسارت مارس‌سیاس را بگیرد و از این رو او را به درختی می آویزد و به تماشا می نشیند، که چگونه در حضورش پوستش را زنده زنده می کنند. از خون و اشک مارس‌سیاس و دوستانش رودی پدیدار می شود، که مارس‌سیاس سرانجام به آن می پیوندد. او تِلر در قالب زبانی و صدایی بسیار قوی دایره ای خلق می کند از تکرار و تکرار مجدد درد و زجر جسم عاجز مارس‌سیاس هنگامی که پوستش در نظار شیفته و نگاه اجتناب ناپذیر آپُل کنده می شود و سر انجام به رودی، سوی جهان دیگری، می پیوندد.

## فهرست آثار

### شعر

#### کتاب

*brinnen. Edition Korrespondenzen: Wien 2006.*

*brinnen. Lyrik-Hörbuch. edition merz&solitude: Stuttgart 2006.*

*münden – entzüngeln. Edition Korrespondenzen: Wien 2004.*

*aufsagen. Bunte Raben Verlag: Lintig-Meckelstedt 1999.*

#### در مجلات

*Lose Blätter, Nr. 36, 2006*

*Neue Rundschau, Nr. 117, 2006 (1), Nr. 118, 2006 (2)*

*Ostragehege, Nr. 40, 2005 (4)*

*manuskripte, Sommer 2006.*

*Vorwärts, ihr Kampfschildkröten. Gedichte aus der Ukraine. Hg.*

*Hans Thill. Wunderhorn Verlag 2006.*

### ویرایش

*Heiß auf dich. 100 Lock- und Liebesgedichte. Eds. Anton G.*

*Leitner und Anja Utler. Deutscher Taschenbuch Verlag: München 2002.*

## جوایز

*Förderpreis der deutschen Schillerstiftung von 1859, 2006*

*Hans-Erich-Nossack-Förderpreis 2006*

*Staatsstipendium Literatur der Republik Österreich 2005/06*

*Stipendium der Akademie Schloss Solitude 2005/06*

*Wiener Förderungspreis Literatur 2005*

*Horst-Bienek-Förderpreis 2005*

*Autorenprämie der Republik Österreich 2004*

*Leonce-und-Lena-Preis für Lyrik 2003*

*Fellowship Literatur der Stiftung Insel Hombroich 2001*

## مقالات علمی

*Märchen und Weiblichkeit: Ljudmila Petruševskajas*

*Kunstmärchen und das russische Volksmärchen [=Regensburger Skripten zur Literaturwissenschaft, Bd. 18, hgg. v. H.P.*

*Neureuter]. 2000.*

*Weibliche Antworten' auf ,menschliche Fragen'? Zur Kategorie*

*Geschlecht in der russischen Lyrik (Z. Gippius, E. Guro, A.*

*Achmatova, M. Cvetaeva). (<http://www.opus-bayern.de/uni-regensburg/volltexte/2004/426/>)*

## امتیاز ترجمه به زبان فارسی

Von: Anja Utler [mailto:a.utler@web.de]  
Gesendet: Dienstag, 14. November 2006 17:43  
An: Dr. Sam Vaseghi  
Betreff: translation of poems by Anja Uttler

Sehr geehrter Herr Vaseghi,

haben Sie herzlichen Dank für Ihre Nachricht! Ich freue mich sehr - und fühle mich geehrt - dass mein 'marsyas' in Farsi übertragen und Aufnahme in eine iranische Anthologie finden wird!

Selbstverständlich werde ich Fragen zum Text gerne beantworten und versuchen, hilfreiche Erklärungen zu geben.

Mit herzlichen Grüßen,  
Anja Utler



## فهرست اشعار

**marsyas, umkreist**

مارسیاس، در احاطه

/۱۲/

**marsyas, umkreist 1 /beschattet - umklammern**

مارسیاس، در احاطه ۱ / زیر سایه - در بست

/۱۴/

**marsyas, umkreist 2 / durchtasten – erinnert**

مارسیاس، در احاطه ۲ / ملموس - بیاد

/۱۶/

**marsyas, umkreist 3 / säuberlich: scheiden**

مارسیاس، در احاطه ۳ / پاک : تمیز

/۱۸/

**marsyas, umkreist 4 / entwuchert – entströmen**

مارسیاس، در احاطه ۴ / زدودن - تراویدن

/۲۰/

**marsyas, umkreist 5 / strudelnd – veröden**

مارسیاس، در احاطه ۵ / گردان - خشکیده

/۲۲/

**marsyas, umkreist / derweil:**

مارسیاس، در احاطه / در این حال:

/۲۴/

*Die Lautbildung erfolgt [...] gelegentlich auch bei Einatmung (inspiratorische Laute). So wird z.B. als Ausdruck eines plötzlichen, leichten Schmerzes zuweilen ein inspiratorisches [f] verwendet.*

R. Arnold / K. Hansen

صدای گویش ... گاهی هنگام فرو بردن نفس (صدای بازگون) شکل می یابد. به عنوان مثال، دردی آنی اما سطحی گاهی موجب فرو بردن نفس و گویش صدای ممتد "ف" می شود.

ک. هانزن / ر. آرنولد

**marsyas, umkreist**

**مارسیاس، در احاطه**

## marsyas, umkreist

weit danach ist:

als rassle als: käme die atmung in gang und  
den rand entlang knacken ja platzen die kapseln  
die samen sie: spritzen sprühn tiefer, vom  
wassersaum ab, übers land

davor:

säumt die zunge den gaumen im zischeln  
dem girren dem trillern im ( . . . ) in der hitze  
verwischt sie – geschnittenes gras – sich  
durchschwirrt sie – ein echo – den wind

## مارسیاس، در احاطه

پس از آن چندی:

گویِ هیق هیق گویی: نَفَسِ نَفَسِ می آید و  
در حاشیه تک تک کیسول ها می ترکند  
تخم ها: افشان ژرفتر می پاشند، از  
حجم آب، فراسوی خاک

پیش از آن:

زبان دورادور لَئِه ها می رَوَد چه چه  
بَقُو بَقُو چه چه پی در پی (... ) در هوای داغ  
می شورد - در بُرش تر علف - غرغَر - یک پژواک - باد

**marsyas, umkreist 1 /beschattet - umklammern**

**مارسیاس، در احاطه ۱ / زیر سایه - در بست**

## مارسیاس، در احاطه ۱ / زیر سایه - در بست

## marsyas, umkreist 1 / beschattet – umklammern

marsyas, das ist: an den stamm gehangen

bald: ausgelöst sein, an den ast gekrallt – balg –

ist: gespannt, dass die schatten den achseln

entfliehn, von der klinge gespalten zu werden

– der atem gebannt – sehn: sie öffnet das dunkel

gedachte: den strömen aus luft und aus licht

مارسیاس، اینک: آویز تن این درخت

آنی دیگر: پوست کنده رها از تن، چنگ انداخته بر ساقه - پوست -

اینست: کشیده تن در تنش، چنان که سایه ها از زیر شانه ها، مفصل ها،

گریزان، از جان، مگر به زخم تیغ شکافته شوند

- نفس در بند - نگاه در پی: می گشاید تاریکترین

پندار: می رود نهری از هوا می رود نهری از نور

-

so: tasten, die finger, sie wollen: durchschlingen die borke sie:

knirscht an den nägeln

sie: bricht wie zum: licht hin gelockert – [kch] – rissig, der rinde zu,

drunter das blinde

– [ssh] – sprießende holz quillt vertieft noch – im stillen –

den dunkelnden kern

چنین: زیر انگشت ها ملموس، در التماس: پیچاپیچ بر پوست زمخت درخت، او:

دندان بر ناخن ها قرچه و

او: می شکند چون: سوی نور شل تن - [ر ه ا] - ترک، در پوست چوب پنبه

که پوک

- [ج و ف] - چوب جوانه رد می نهد، بر جستگی فرو رفتگی - در خاموشی -

بر مغزش که تاریک می شود

-

**marsyas, umkreist 2 / durchtasten – erinnert**

**مارسیاس، در احاطه ۲ / ملموس - بیاد**

—  
nur: durchraschelt die: triebe den seidelbast sprossende stängel, die:  
knospen sind früh  
im jahr rosig: gesprungene kelche – so fiebrig, das: birst an den fingern  
– [ff] – zwitterig –  
[tss] – fiedrig, durchschlungen vom licht das: zur bast-schicht zur  
steinfrucht gerinnt

—  
تنها: خِش خِش: رویان ساقه های جوان گل بُتّه دافنه، که:  
غنچه های نورس.  
امسال سرخ: کاسه گل پیدا - چنان تب آلود، که: می ترکد روی انگشتان  
- [و و] - دو جنسیت -  
[چ چ ی] - پُر از پَر، پیچاپیچ نور: که در لیف درخت  
در میوه ای درون هسته منعقد می شود

**marsyas, umkreist 3 / säuberlich: scheiden**

**مارسیاس، در احاطه ۳ / پاک : تمیز**

## **marsyas, umkreist 3 / säuberlich: scheiden**

ihn sich: zu besehen ihm: glänzen die glieder sie  
glitschen im schweiß – gekrampft – weißlich vorm  
stamm wird das salz: in der achsel ihm ausblühn,  
wird starrend, kristallen sein, dann, wenn die hülle  
geschrumpft ist vom wind pergamenten daneben  
hängt – zapfig im fleisch – das beschaute ab

—

so: binsig die: blattspreite breiten vom sumpfgrund sich: simsens  
das schneidried das: wiegt  
sich die zapfigen ährchen – [ch] – spitzen sie schneiden das schneidet  
– [tsh] – zischelt  
durchzischelt – die hornschrift die knospen der fingerbeere – [pfch]  
– ritzt sich: im wind

## **مارسیاس، در احاطه ۳ / پاک : تمیز**

او را: زیر نظر او را: می درخشند اعضاء  
لیزانه در عرق - منقبض - سپید می رود از  
تن درخت، نمک: زیر بغل می شکفت،  
منجمد خواهد شد، متبلور، بعد، وقتی غلاف  
در هم چروکید در باد، کنارش پوست خشک ورق ورق  
آویزان - خوشه خوشه گوشت - تشریح شده زیر نظر

-

چنین: نی نی: پهنک برگ پهن از عمق باتلاق: جگن

سبز که هراس که: سنگین

خوشه های کوچک - [چ خ] - نوک نوک که می بُرد که می بُرد

- [ک ر] - وز وز -

وز وز در گذر - روپوست زمخت غنچه های سرانگشت زالزالک - [پ و ش]

- حک می شود: در باد

**marsyas, umkreist 4 / entwuchert – entströmen**

**مارسیاس، در احاطه ۴ / زدودن - تراویدن**

## مارسیاس، در احاطه ۴ / زدودن - تراویدن

راه راه، برآمدگی ها، الیاف گسسته از درون

پنهان: اینگونه می خواستند جوانه زنند یاخته های خار،

روپوست زمخت: لایه های سبز رویان، می خواستند در بر گیرند

آنچه را، که شایسته نامیدن است: ساقه های شمردنی: شکوفه می زنند

استخوان ها بر تیغه ها بر: زایده های سراسر خار و

می بایست پوسته پوسته شوند و: هندسه چند ضلعی

ماهیچه های شکم، در بر آمدن باز فرود آمدن دنده ها و

زیرشان: شش ها، ملموس، انبانی برجا می مانند،

فشرده از تراکم هوا

-

پوست کنده: حاشیه شان تیز، برگ ها: خوشه وار ساقه ها دنده دنده چنان

می لرزند - [د س س] -

میان انگشتان بر گلوگاه نی در نوسان، مرتعش منفصل:

جریان. هواست که شکافته به دو نیم

- [ر ه ا] - نوای نی بویا بر لب ها خوشه ها آنی تقسیم می شوند،

آنی دگر: یکی می شوند

-

## marsyas, umkreist 4 / entwuchert – entströmen

striemig, die wölbungen, fasern gelöst aus dem innern

verborgen: so wollten sie keimen die stachelzellen,

hornzellen: sprießende schichten, sie wollten umsäumen

das, was benannt sein soll: zählbare stränge, sie: knospen

den knochen an gräten an: dornigen fortsätzen und

werden abzublätern sein und: sollen rauten-kapuzen die

bauchmuskeln heißen, zu heben zu senken die rippen

darunter: die lunge, berührbar gemacht, bleibt ein bündel,

vom luftdruck bedrängt

-

geschält: sind sie scharfkantig, blätter: vom rispigen rippigen stiel so

erzittern – [tss] –

zwischen den fingern im flötenhals schwingen erbeben sie spalten:

den luftstrom entzweien

- [ssh] – säuseln das röhricht den lippen den rispen gleich teilt sich

schwappt: wieder in eins

-

**marsyas, umkreist 5 / strudelnd – veröden**

**مارسیاس، در احاطه ۵ / گردان - خشکیده**

## مارسیاس، در احاطه ۵/ گردان - خشکیده

لرزان - هوا در گذر پرندگان، در گذر صدا -

در گذر انگشتان بر تاریکترین دنده های ارّه - که

می کشد ماهیچه های شکم را - دیده می شوند: پُر از پَر، سراسر پَر پَر

دنده ها: بال ها در گردش و سیلان در آن: نگاه که اشتباه می کند

می کاود گم می شود، سر گیج سر گردان در انزجار در (...)

بیش از پیش زور و ترس: این چاک زخم

دهان: هنوز گود است و سکوت

- کارستی <sup>(۱)</sup> ناگهانی - که می خشکد

## marsyas, umkreist 5 / strudelnd – veröden

erzittert – die luft von den vögeln durchflohen, durchrauscht –

zu durchfingern die dunkelnden furchen der säge- der

bauchmuskeln nach zu ziehen – zu sehen sie: fiedern, umfiedern

die rippen sind: flügeln gleich wirbeln und strömen darin: irrt der blick

dringt verliert sich im schwindel im schlingen im schaudern im (. . .)

zusehnds getrieben und schreckt: diese stürzende wunde

der mund: ist vertieft noch und schweigt

– eine plötzliche karste – sich trocknend aus

### (۱) کارست (Karst)

بخش های فوقانی قاره ها اساساً توسط رسوبات دریایی قدیمی شکل گرفته اند و به صخره تبدیل شده و بر روی سطح دریا بالا آمده اند. سپس فرسایش در این صخره ها خوردگی ایجاد کرده، رشته کوه ها را کنده است در حالی که رودخانه ها و یخچالها دره ها را ایجاد کرده و مجراهایی را در حفرات به وجود آورده اند. آب باران به دلیل وجود درزه های صخره به مجراهای زیرزمینی نفوذ می کنند و هنگامی که این مجراها کاملاً پیشرفت می کنند، به سرعت به شکل خشکی در سطح زمین نمودار می شوند. جویبارها و رودخانه ها به زیرزمینی جریان می یابند و هنگامی که این عمل به حالت پیشرفته خود رسید، این منطقه کارست خوانده می شود. این واژه آلمانی توصیف چشم اندازه صخره ای خشک در شمال غرب یوگسلاوی است. اخذ از <http://www.climbing.ir>

**marsyas, umkreist / derweil:**

**مارسیاس، در احاطه / در این حال:**

## مارسیاس، در احاطه / در این حال:

## marsyas, umkreist / derweil:

در این حال که:

derweil:

ist entäußert ganz stürzt: er ihm – schließlich – entgegen  
und quillt es entgurgelt entkreischt ihm – ein ächzen –  
und vorerst nur er: vom entsetzen entbunden wird marsyas wird –  
endlich: entströmt er ins harrende land er  
entrinnt nicht: entspringt

برون تن خام فرود: می آید - سر انجام - او بر او  
و در تورمش پاریده نعره ای زجه ای - فریاد  
و اینک تنها او: از وحشت رها می رود مارسسیاس می رود تا -  
سر انجام: رود می شود سوی سرزمینی که در انتظار او  
را گریزی نیست: سرچشمه را



آنیا اوتلر - مارسیاس، در احاطه  
نشر مجموعه شعر نوین جهان  
باز سرایی از آلمانی به فارسی سام واثقی  
۲۰۰۶/۱۱/۲۵

© کلیه حقوق برای نویسنده محفوظ است. تهیه هر گونه اثر از متن این مجموعه و یا بخشی از آن طبق قانون کپی رایت منوط  
به اجازه کتبی نویسنده آنیا اوتلر است.